Archive of SID

بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۱۱/۱۷

حسین عیوضلو*
حسین میسمی**

چکیده

ایده بانکداری و تامین مالی اسلامی که نخستین‌بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد، بر یک اصل کلی استوار بوده و آن تحریم ربا است. در حقیقت، شارع مقدس اسلام به وضوح معامله‌های ربوی را در آیه‌ها و روایت‌های متعدد نفی می‌کند. حال پرسش این است که آیا نظام بانکداری اسلامی که بر مبنای حرمت ربا بنا نهاده شده، مزیتی نسبت به نظام متعارف دارد؟ پاسخ به این پرسش در دوره اخیر اهمیت دوچندانی یافته است. علت این امر نیز بحران‌هایی است که نظام اقتصاد متعارف به‌صورت فزاینده با آن روبه‌رو شده است؛ جدیدترین آنها بحران اعتباری در بخش مسکن اقتصاد امریکا است. بحران اخیر فرصتی مناسب برای فعالان حوزه بانکداری اسلامی پدید آورده است تا بتوانند توانمندی‌های نظام بانکداری اسلامی را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند.

این مقاله به صورت نظری بر روی دو مورد از منافع اقتصادی که از اطاعت از قانون الاهی درباره تحریم ربا (بهره) مورد انتظار است، یعنی ثبات و کارایی، تمرکز می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تامین مالی اسلامی نسبت به تامین مالی متعارف با ثبات‌تر و کاراتر بوده، و به علل

*. عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام صادق(ع). Email: hosseineivazlou@edbi.ir
**. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع). Email: meisami@isu.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

گوناگون رشد بیشتری را نیز نوید می‌دهد. در کل می‌توان گفت یک محیط اقتصادی اسلامی که به جای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقدهای مشارکتی و مبادله‌ای استفاده می‌کند، به علل گوناگون پیشرفت و توسعه اقتصادی بیشتری را در پی خواهد داشت و با بحران‌های کمتر و کوتاه‌تری روبه‌رو خواهد بود.

واژگان کلیدی: *بانکداری اسلامی، ثبات، کارایی، رشد اقتصادی.*

طبقه‌بندی JEL: G21

مقدمه

ایده بانکداری و تامین مالی اسلامی که نخستین‌بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد و اکنون دست‌کم یکصد نوع گوناگون دارد (Sarker, 2004: 20)، بر یک اصل کلی استوار بوده و آن تحریم ربا است. تحریم ربا اصلی کلی است که نه‌تنها شریعت اسلام در آیه‌ها و روایت‌های متعدد آن را نفی کرده، بلکه دیگر ادیان بزرگ مانند: مسیحیت، یهودیت و آیین هندو (که همراه با اسلام چهار مذهب نخست جهان را تشکیل می‌دهند) نیز آن را رد می‌کنند (Mills & Presley, 1999: 103; Wilson, 1997: 33 - 34). حال پرسش این است که اطاعت از این اصل در نظام بانکداری و تامین مالی چه منافع دنیوی به همراه خواهد داشت؟ مزیت بانکداری اسلامی که بر مبنای این اصل بنا شده بر بانکداری بهره‌ای متعارف چیست؟

توجه داریم که گرچه التزام فرد به اطاعت پروردگار (در تمام احکام به‌صورت عام و در بحث‌های اقتصادی مانند حرمت ربا به‌طور خاص) مشروط به فهم حکمت دستورهای الاهی نیست، اما چنین فهمی اگر بتواند انجام شود، پسندیده و مطلوب خواهد بود؛ زیرا فهم حکمت احکام قبول آنها را ساده‌تر ساخته و در تطبیق اصول کلی در موقعیت‌های خاص کمک می‌کند. این بحث به‌ویژه درباره دستورهای الاهی مرتبط با بحث‌های مادی صحیح است؛ همان‌طور که در حوزه معامله‌ها، حکمت نهفته در قانون‌های الاهی، منافعی است که این دستورها برای بشر به همراه دارند. همچنین باید گفت هر چه فهم ما از منافع پرهیز از بهره بیشتر باشد، توانایی ما در حفظ این منافع و اجرای بانکداری اسلامی به‌صورتی که منافع پیش‌گفته حفظ شود بیشتر خواهد بود (Chapra, 2007: 14 - 25).

www.SID.ir

Archive of SID

ما در مقاله بدون در نظر گرفتن مشکل‌ها و مسایلی که بانکداری اسلامی (در ایران و سطح بین‌المللی) در عمل با آنها روبه‌رو است و فقط به‌صورت نظری، به بررسی این گزاره می‌پردازیم که نظام بانکداری اسلامی که بر مبنای حرمت ربا بنا نهاده شده است، مزیتی‌هایی نسبت به نظام متعارف دارد. کوشیده می‌شود با توجه به محدودیتی که وجود دارد، دو مورد از این مزیت‌ها مورد بحث قرار گیرد. نخست ثبات بیشتر نظام بانکداری اسلامی و دیگر کارایی بیشتری که این نظام نوید می‌دهد. در آنچه که در پی می‌آید، ما این دو مورد را مورد بررسی قرار داده و در ابتدا این کار را با بررسی جایگزین‌های بهره در چارچوب اسلامی انجام می‌دهیم. ما به این بحث می‌پردازیم که رابطه حقوقی وکالت عام در بخش تجهیز منابع مؤسسه‌های بانکی به‌طور خاص و دیگر واسطه‌های مالی به‌طور عام، نسبت به هر ترتیب دیگری غیر از این نوع وکالت، ثبات بیشتری برای نظام مالی به ارمغان می‌آورد. به این بحث نیز خواهیم پرداخت که پدیدآوردن ساختارهای مشارکتی بین عرضه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از منابع مالی در جهت تولید ثروت واقعی، دامنه نوسان‌های چرخه‌های تجاری را کاهش داده و به پدیدساختن ثبات بیشتر در بخش واقعی اقتصاد کمک می‌کند. ما این مطلب را با ارایه بحثی مکمل ادامه می‌دهیم و آن اینکه نظام پولی در اقتصاد اسلامی، بسیار با ثبات‌تر از نظام پولی است که در آن خلق پول از راه بسط وام و اعتبار صورت می‌پذیرد؛ چرا که این نظام این ویژگی را دارد که در آن خلق پول بیشتر بر مبنای پدیدآوردن سهم و کمتر بر مبنای پدیدآوردن دین صورت می‌پذیرد. بعد از انجام یک بررسی به نسبت طولانی در باب ثبات نظام تامین مالی اسلامی، به بحث کارایی می‌رسیم. در این بخش تاکید می‌شود که بانکداری اسلامی به علل گوناگون کارایی بیشتری را به ارمغان آورده؛ بنابراین به منظور دستیابی به رشد و توسعه مناسب‌تر است. توجه شود که می‌توان مزیت‌های دیگری مانند: عدالت، جامعیت و پایداری را نیز برای نظام بانکداری اسلامی تصور کرد، که بررسی آنها از حوصله مقاله خارج است (توتونچیان، ۱۳۷۹: ٥٤١ ـ ۳۹۲؛ Al-Jarhi, 2002b: 11-13).

www.SID.ir

Archive of SID

ادبیات موضوع

پیش از وارد شدن به بحث اصلی، لازم است به تحقیق‌هایی که به‌وسیله دیگر پژوهشگران صورت پذیرفته اشاره شود. می‌توان گفت بررسی مزیت‌های نظام بانکداری و تامین مالی اسلامی از زمان پیدایش این نوع از بانکداری مورد توجه محققان این حوزه بوده است. بنابراین تحقیق‌های گوناگون درباره مزیت‌های این نظام انجام شده است. اما این تحقیق‌ها به‌طور معمول به مسایل و مشکل‌هایی که بانکداری اسلامی در عمل با آن روبه‌رو است پرداخته‌اند. که این خود شامل اشکال‌هایی فقهی، قانونی و اجرایی و غیره می‌شود (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۷۷۷ ـ ۸۰۲؛ اقبال، ۱۳۸۷؛ اکبریان، ۱۳۸٦؛ موسویان، ۱۳۸۳؛ مجتهد، ۱۳۸٤؛ کیقبادی، ۱۳۸۷ ;Fahim khan, 2002; Sarker, 2004; Martin, 2008).

گرچه بررسی حوزه عمل، یعنی ارزیابی عملکرد بانکداری اسلامی، بسیار حائز اهمیت است، اما به نظر می‌رسد لازم باشد بدون در نظر گرفتن مشکل‌هایی که نظام بانکداری اسلامی در عمل با آنها روبه‌رو است، و به‌صورت مفهومی، به بررسی ویژگی‌های اقتصادی این نظام بپردازیم. چرا که هر چه درک ما از توانمندی‌ها و مزیت‌های نظام بانکداری اسلامی در حوزه نظر قوی‌تر باشد، بهتر می‌توانیم این منافع را در حوزه عمل پیگیری کنیم. در حقیقت این بحث‌های نظری به ما نشان می‌دهند که تفاوت نظام بانکداری اسلامی با بانکداری ربوی در کجاست و به چه علت این نظام نسبت به نظام متعارف برتری دارد. این خود می‌تواند برای برنامه‌ریزی در حوزه عمل مبنا باشد.

درباره بحث‌های مفهومی مرتبط با برتری‌های نظام بانکداری اسلامی، تحقیق‌هایی به‌وسیله پژوهشگران این حوزه انجام شده است. اما این منابع به‌طور معمول به بررسی مزیتی خاص یا دیدگاهی خاص می‌پردازند. در این قسمت به‌طور نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

محمد نجات‌الله صدیقی بحث‌های نظری مرتبط با توانمندی‌های نظام بانکداری اسلامی را تحت عنوان حکمت تحریم ربا مورد بررسی قرار می‌دهد و بعد از ذکر نکته‌هایی به این نتیجه می‌رسد که نظام بانکداری اسلامی نه‌تنها ثبات و کارایی بیشتری را نوید می‌دهد بلکه عدالت و رشد بیشتری را نیز به همراه دارد. در حقیقت هدف اصلی صدیقی آن است که نشان دهد اطاعت از فرمان الاهی در باب تحریم ربا نه‌تنها اجر اخروی دارد، بلکه در همین دنیا نیز اثرهای مادی به همراه دارد، که همان دستیابی به نظام اقتصادی سالم است؛ و از این

www.SID.ir

Archive of SID

به حکمت تحریم ربا تعبیر می‌کند (siddigi, 2002a: 8-10; 2002b: 3-7; 2004: 95-113).

عمر چپرا با اشاره به بحران‌های مالی‌ای که در نظام متعارف پدید آمده مانند: بحران جنوب شرق آسیا، به بررسی مفهومی و علت‌یابی این بحران‌ها می‌پردازد. وی این کار را در چارچوبی مقایسه‌ای بین دو نظام اسلامی و متعارف (براساس شاخص‌هایی چون ثبات و کارایی) انجام می‌دهد (Chapra, 2007: 25-35; 1998: 143-150).

الجارحی به‌صورت محدود به دو بحث کارایی و عدالت اشاره می‌کند. درباره کارایی بیان می‌دارد که در نظام اسلامی به‌علت استفاده از عقدهای مشارکتی و مبادله‌ای، دیگر لازم نیست وقت خود را صرف پیدا کردن راهی به منظور صفر کردن نرخ بهره کنیم؛ بحثی که به‌صورت شرطی سخت برای تخصیص بهینه منابع در نظام بانکداری ربوی مطرح می‌شود. وی درباره ثبات نسبی، به‌صورت مختصر به بحث سفته‌بازی، عدم همزمانی تعهدهای بانک با دریافتی‌ها و بی‌ثباتی‌های مالی ناشی از پدید آمدن بازارهای دین (debt market) می‌پردازد (Al-Jarhi, 2002b: 10).

موسویان به‌صورت مختصر بر روی مزیت‌های استفاده از عقدهای مشارکتی (که خود گروهی خاص از عقدهای اسلامی‌اند) تمرکز می‌کند. نشان می‌دهد که جایگزینی نظام مشارکت بر متغیرهایی مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال اثر داشته و ثبات بیشتری پدید می‌آورد. همچنین بیان می‌کند که در نظام اسلامی دوره‌های رونق و رکود هر دو ملایم‌تر بوده؛ بنابراین ثبات بیشتر است (موسویان، ۱۳۸۱: ۵).

توتونچیان علت اصلی بی‌ثباتی در نظام بانکداری متعارف را وجود بهره در این نظام می‌داند و معتقد است حذف بهره از اقتصاد فایده‌های متعددی خواهد داشت. از دیدگاه وی توجیه‌های متنوع و مکرر اقتصاددانان غربی یکی پس از دیگری و در فاصله‌های زمانی کوتاه و عدم توانایی آنها در پیدا کردن علت اساسی عدم تعادل‌های اقتصاد سرمایه‌داری، نشان‌دهنده وجود تضاد و تناقض درونی در این نظام است (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۵۶۹ ـ ٥٤٦).

جمالیان به ریسک کمتری که بانکداری اسلامی با آن روبه‌رو است توجه می‌کند؛ که در حقیقت بُعد خاصی از ثبات در نظام بانکداری اسلامی است. در تحقیق وی چهار ریسک اصلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارتند از: ریسک نرخ بهره، نقدپذیری، اعتبار و بازار. وی بعد از ارایه تحلیل مفصل، نشان می‌دهد که نظام بانکداری اسلامی در کل و با در نظر

www.SID.ir

Archive of SID

گرفتن چهار مورد پیش‌گفته، با ریسک کمتری روبه‌رو است (جمالیان، ۱۳۸٦: ۱۰۰ ـ ۷۹).

در ادامه ما می‌کوشیم تا افزون بر استفاده از بحث‌هایی که در دیگر آثار، در باب ثبات و کارایی بانکداری اسلامی مطرح شده، بحث را با رویکـردی تـازه تعقیـب کنـیم. ابتـدا بـه موضوع ثبات و سپس کارایی می‌پردازیم.

ثبات نسبی (Relative Stability) نظام تامین مالی اسلامی

ثبات نسبی نظام تامین مالی اسلامی به لحاظ نظری دست‌کم بر پنج پایه ذیل استوار است:

أ. برابری تعهدهای پرداخت با دریافتی‌ها؛

ب. همزمانی تعهدهای پرداخت با دریافتی‌ها؛

ج. توانایی جذب شوک‌های واقعی اقتصاد از راه پدیدآوردن تغییرهای مناسب در هزینه سرمایه؛

د. عرضه پول جدیدی که به‌طور مستقیم به امکانات خلق ثروت جدید (بخش واقعی) وابسته است؛

هـ. پذیرش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر مبنای مشارکت در سود.

ما در این بخش به ترتیب به بررسی این موارد می‌پردازیم. توجه شود که در بخش‌های بعدی این فرض را داریم که مؤسسه مالی مورد بحث ما در هر دو طرف دارایی و بـدهی فقـط از عقدهای مشارکتی استفاده می کند. در بخش «ثبـات نـسبی بـا تعهـدهای ثابـت» عقـدهای مبادله‌ای را نیز به مدل اضافه کرده و مشاهده خواهیم کرد این کار تغییر اساسـی در نتیجـه‌هـای مدل اولیه پدید نمی‌آورد.

برابری و همزمانی تعهدهای پرداخت با دریافتی‌ها

یکی از پایه‌های ثبات در نظام تامین مالی اسلامی، از برابری و همزمـانی موجـود بـین تعهدهای پرداخت واسطه مالی و درآمدهای دریـافتی‌اش نتیجـه مـی‌شـود؛ چیـزی کـه در روش‌های تامین مالی مشارکتی، به‌دست می‌آید. ما بحث برابری و همزمانی بین تعهـدهای پرداخت و درآمدهای دریافتی را ابتدا دربـاره یـک عقـد سـاده توضـیح داده و سـپس بـه موردهای پیچیده‌تر می‌پردازیم.

یک واسطه مالی را در نظر بگیرید که تمام منابعی که از افراد تجهیز کرده یا تعهـدهایی که دارد به‌صورت سپرده در حساب‌های سرمایه‌گذاری وکالتی قرار دهد. البته ایـن وکالـت به‌صورتی است که بانک در جایگاه وکیل متعهد می‌شود فقط در عقدهای مشارکتی فعالیت

www.SID.ir

Archive of SID

کند. بنابراین سودی که سپرده‌گذار دریافت می‌کند متغیر است و نمی‌تواند پیش از عقد تعیین شود.* همچنین تمام دارایی‌هایش نیز به‌صورت سرمایه عرضه‌شده به کارفرمایان بر مبنای عقد مشارکتی، مثل مضاربه است.** بنابراین در اینجا هم مقدار واقعی درآمدی که از کارفرمایان به مؤسسه مالی خواهد رسید متغیر و نامعلوم است.*** اما این امر برای مؤسسه مالی مشکلی پدید نمی‌آورد. چرا که تعهد پرداخت مؤسسه به سپرده‌گذاران، از پیش تعیین شده نبوده و به درآمدی که بانک در واقع به‌دست می‌آورد بستگی دارد. بنابراین این مؤسسه با هیچ نوع کمبود نقدینگی روبه‌رو نخواهد شد.

این مؤسسه فرضی ما با تهدید ناتوانی در پرداخت دیون نیز روبه‌رو نیست؛ زیرا در این شرایط سپرده‌گذاران دیگر با دریافت اخبار و شایعاتی مبنی بر اینکه مؤسسه در حال ضرر در برخی از سرمایه‌گذاری‌هایش است، به منظور بیرون‌کشیدن وجوه خود هجوم نمی‌آورند؛ چرا که آن دسته از سپرده‌گذارانی که چنین کاری انجام دهند، باید در جایگاه موکل در عقد وکالت، بخشی از ضرر وارده به بانک (که در جایگاه وکیل در عقد وکالت**** فعالیت می‌کند) را تحمل کنند. اما آن دسته از سپرده‌گذاران که تا پایان یافتن این شرایط بد صبر می‌کنند، می‌توانند امیدوار باشند که بخشی از این ضرر، در آینده و با

*. توجه داریم که مقاله مزیت‌های نظام بانکداری بدون بهره را در چارچوب الگوی ایرانی بانکداری بدون ربا یا همان قانون عملیات بانکداری بدون ربا بررسی می‌کند. اما می‌دانیم که این الگو یگانه الگوی این نوع بانکداری نیست. بلکه می‌توان این بحث را در قالب دیگر الگوهای بانکداری نیز بررسی کرد. واضح است که انجام این کار تغییر اساسی در تحلیل‌های انجام شده، پدید نمی‌آورد. به‌طور مثال می‌توان به جای عقد وکالت، در طرف بدهی از عقد مضاربه استفاده کرد؛ زیرا طبق فقه اهل سنت، عقد مضاربه عقدی عام است. اما براساس فقه شیعه و قانون عملیات بانکی ایران، مضاربه فقط در بخش تخصیص منابع آن هم برای بخش بازرگانی کاربرد دارد. در واقع در این الگو مضاربه عقدی مضیّق است (موسویان، ۱۳۸۳: ۷).

**. مطابق فصل سوم قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند از راه قراردادهای مشارکتی، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را تأمین مالی کنند. این عقدها عبارتند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و مضاربه (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۳۳).

***. در اینجا آنچه موضوعیت دارد، متغیر بودن سود عقد است و نه نوع عقد فقهی مورد استفاده. از طرفی توجه داریم که در قراردادهای مشارکتی ممکن است در ابتدای قرارداد، سهم سود بانک و نرخ سود انتظاری را برآورد کرد؛ اما سود واقعی در پایان قرارداد معلوم می‌شود و به‌صورت طبیعی از موردی به مورد دیگر متفاوت خواهد بود (موسویان، ۱۳۸٤: ۸).

****. همان‌طور که گفتیم فرض بر این است که بانک در جایگاه وکیل فقط در عقدهای مشارکتی فعالیت می‌کند.

www.SID.ir

Archive of SID

بهبود سرمایه‌گذاری‌های بانک جبران شود. توجه داریم که در نظام بانکداری متعارف بحث هجوم به بانک (Bank run) یکی از عامل‌های بی‌ثباتی شمرده می‌شود و افراد در برخی مواقع فقط با شنیدن شایعاتی به منظور بیرون‌کشیدن وجوه خود حمله‌ور می‌شوند؛ که این خود ممکن است بانک را با خطر کمبود نقدینگی روبه‌رو کند.

اگر مؤسسه پیش‌گفته بخواهد عملکرد مناسبی درباره شکل زمانی تعهدهای پرداختش داشته باشد، به مدیریتی صحیح نیاز دارد. برای فهم بهتر این مطلب اجازه دهید موردی ساده از یک مؤسسه واسطه‌ای در نظر بگیریم که در بخش بدهی‌هایش فقط یک سپرده دارد و در بخش دارایی‌هایش نیز فقط با یک کارفرما سروکار دارد (فقط به یک نفر تسهیلات مشارکتی داده است). در اینجا مدیریت صحیح اقتضا دارد که چنین مؤسسه‌ای بین درآمدهایش از کارفرما و پرداخت‌هایش به سپرده‌گذار (طبق قرارداد)، مطابقت زمانی پدید آورد.

واضح است که با تعمیم این مثال ساده، چنانکه فرض یک نفر سپرده‌گذار و یک نفر کارفرما را کنار بگذاریم و اجازه دهیم که تعداد دارندگان حساب و کارفرمایان بیشتر شود، تغییر پایه‌ای در وضعیت پیش‌گفته پدید نمی‌آید و هنوز هم تعهدهای پرداخت واسطه‌گر مالی برابر با دریافتی‌های واقعی و نامعلومش خواهد بود. فقط تفاوتی که این حالت با حالت پیش دارد، آن است که در اینجا وظیفه واسطه‌گر در پدیدآوردن همزمانی بین دریافتی‌ها و پرداختی‌هایش پیچیده‌تر می‌شود و انجام آن نیاز به برنامه‌ریزی دقیق در بخش دارایی‌ها به‌صورت متنوع‌سازی سرمایه‌گذاری، و در بخش بدهی‌ها به‌صورت فراهم ساختن منابع کوچک از سپرده‌ها با توجه به افق زمانی‌شان دارد.

اگر تامین مالی بر مبنای عقدهای مشارکت مدنی و حقوقی را نیز در مدل وارد کنیم، باز هم تغییر اساسی در آن پیش نمی‌آید. در حقیقت معرفی دارایی‌های مبتنی بر عقد مشارکت نیز این وضعیت (مدل مضاربه‌ای ساده ما) را به‌صورت پایه‌ای تغییر نمی‌دهد. واسطه‌های مالی در عقد مشارکت، در ریسک و در منافع شریک می‌شوند. یعنی در سود فعالیت اقتصادی بر مبنای نسبت مورد توافق با شریکان (کارفرمایان) شریک شده و در ضرر به نسبت سرمایه آورده شریک می‌شوند.

حال که بحث روش‌های مشارکتی را انجام دادیم، لازم است استفاده از روش‌های تامین مالی مبادله‌ای در طرف دارایی را نیز به مدل ساده خود اضافه کنیم. در این روش‌ها طرف

www.SID.ir

Archive of SID

دارایی بانک نسبت به کرایه (در عقد اجاره) یا مقداری که باید در آینده وصول کند (به‌طور مثال مقداری که در عقد فروش اقساطی وصول خواهد کرد) حق مطالبه دارد.* پر واضح است تا زمانی که طرف بدهی طبیعت اولیه خود را حفظ کند، یعنی سپرده‌ها همچنان بر مبنای عقد وکالت تجهیز شوند، استفاده از این روش‌ها در طرف دارایی تطابق موجود بین دریافتی‌ها و تعهدهای پرداخت واسطه مالی را بر هم نمی‌زند و بنابراین مشکلی برای بانک پدید نمی‌آورد. علت این امر آن است که در این حالت هم مانند حالت‌های پیش، بانک فقط در صورتی که به سود دست یابد لازم است طبق عقد وکالتی که با سپرده‌گذار دارد سهمش را بپردازد.

نتیجه این که شاخص اصلی تامین مالی اسلامی که همان پدیدآوردن تطابق بین دریافتی‌ها و پرداختی‌های واسطه مالی است، از تغییرهای پدید آمده در طرف دارایی تاثیری نمی‌پذیرد؛ زیرا این تطابق به بدهی‌ها و نه دارایی‌ها وابستگی دارد؛ بدهی‌هایی که خود همچنان بر مبنای وکالت (آن هم با شرط مشارکتی‌بودن) هستند. همان‌طور که پیش از این ذکر شد، تطابقی که بین دریافتی‌ها و پرداختی‌های واسطه مالی وجود دارد، ثبات را در نظام تامین مالی اسلامی تقویت می‌کند.

انعطاف مناسب در برابر شوک‌های واقعی اقتصاد

یکی از منابع مهم بی‌ثباتی در نظام اقتصاد متعارف، تغییرهای پدیده آمده در بخش واقعی اقتصاد است که باعث می‌شود انتظارهای سود در جهت بالا یا پایین تغییر کند. این خود باعث تغییر در طرح‌های سرمایه‌گذاری شده و تقاضا را در بازارهای گوناگون تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ این وضعیت پدیدآوردن شوک‌های واقعی در اقتصاد نامیده می‌شود. این

*. طبق قانون بانکداری بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند از راه قراردادهای مبادله‌ای ذیل و با استفاده از منابع خود تقاضای مشتریان را پاسخ دهند. این عقدها عبارتند از: فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، سلف، خرید دین. توجه داریم که در اینجا نیز آنچه مهم است و موضوعیت دارد، معیّن‌بودن سود عقد است و نه نوع عقد فقهی مورد استفاده. به این معنا که می‌توان به جای عقد اجاره یا فروش اقساطی هر نوع عقد مبادله‌ای دیگری را نیز در نظر گرفت. علت این امر آن است که در تمام عقدهای مبادله‌ای، نرخ سود بانک از محل این قراردادها معیّن است؛ به‌طور مثال، بانک می‌تواند تصمیم بگیرد تمام قراردادهای مبادله‌ای خود را برای سال خاص یا فصل خاصی با نرخ‌های معیّن قرارداد ببندد؛ چنانکه می‌تواند برای همه بخش‌ها یا همه قراردادها از یک نرخ یا چند نرخ معیّن به‌صورت ترجیحی استفاده کند (موسویان، ۱۳۸٤: ۱۰).

www.SID.ir

Archive of SID

شوک‌ها می‌توانند تغییرهای ادواری در فعالیت‌های اقتصادی پدید آورده و شاخص‌هایی مانند: سطح عمومی قیمت‌ها (تورم)، اشتغال و تولید را تحت تاثیر قرار دهند. در نظام تامین مالی متعارف بهره‌ای، علل گوناگونی وجود دارد که می‌توانند سبب چنین تغییرهایی شود. به‌طور مثال در شرایطی که انتظارهای سود به سمت بالا (افزایش) وجود دارد، کارفرمایان به افزایش سرمایه‌گذاری اقدام خواهند کرد؛ بنابراین تقاضا برای تامین مالی افزایش خواهد یافت؛ البته به شرطی که هزینه تامین مالی (بهره) ثابت باقی بماند یا حداقل به اندازه‌ای کمتر از رشد سود انتظاری افزایش یابد. اما در اقتصادی که در آن تامین مالی بر مبنای مشارکت در سود انجام می‌شود، جهت حرکت هزینه هر واحد سرمایه در جهت حرکت سود است و این‌دو با هم حرکت می‌کنند. چرا که در این نوع از تامین مالی سود به‌صورت پسینی (بعد از فعالیت اقتصادی) و آن هم براساس نسبت‌های مورد توافق محاسبه می‌شود. در توضیح بیشتر می‌توان گفت: در نظام متعارف امکان آن وجود دارد که انتظارهای سود بالا رود اما هزینه تامین مالی ثابت باقی بماند. بنابراین تقاضا برای تامین مالی افزایش شدید یابد یا برعکس انتظارهای سود پایین آمده اما هزینه تامین مالی ثابت باقی بماند بنابراین تقاضا برای تامین مالی کاهش شدید یابد. اما در نظام تامین مالی اسلامی چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد. چرا که در این ساختار بخشی از فعالیت‌های اقتصادی بر پایه عقدهای مشارکتی انجام می‌شود و در این عقدها در شرایط رونق و حالتی که انتظار سود به سمت بالاست، هزینه تامین مالی نیز خود به خود بالا می‌رود* تقاضا برای تامین مالی دیگر به آن اندازه که در نظام متعارف افزایش می‌یافت، افزایش نخواهد یافت. در حالت رکود نیز عکس این حالت اتفاق می‌افتد. یعنی در شرایطی که انتظار سود کاهش یابد، هزینه تامین مالی نیز به‌صورت خودکار کاهش یافته و تقاضا برای تامین مالی دیگر با کاهش شدید روبه‌رو نخواهد شد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تحت نظام تامین مالی اسلامی، دامنه نوسان‌های تمام مراحل یک دوره اقتصادی (چه رکود و چه رونق)،

*. زیرا همان‌طور که گفتیم، در تمام عقدهای مشارکتی طرفین در سود شریک هستند. به‌طور مثال اگر عقد مضاربه را در نظر بگیریم و این‌طور فرض کنیم که کارفرما براساس این عقد با مؤسسه مالی وارد فعالیت اقتصادی شده، آنگاه صاحب سرمایه و کارفرما در سودی که پدید می‌آید شریکند و زمانی که این سود به هر علت افزایش یابد، پدید آمده به‌طور تام به کارفرما نمی‌رسد بلکه بخشی از آن به صاحب سرمایه می‌رسد و این بدان معناست که هزینه تامین مالی به‌صورت خودکار برای کارفرما افزایش می‌یابد.

www.SID.ir

Archive of SID

کوتاه‌تر خواهند بود؛ که این خود به معنای ثبات بیشتر در این ساختار است (موسویان، ۱۳۸۱: ۱۲ ;Chishti, 1985: 9). عامل دیگری که در نظام متعارف محرک چنین تغییرهایی است (در بخش واقعی شوک پدید می‌آورد)، سفته‌بازی است. در شرایطی که پیش‌بینی‌های سود مثبت هستند و امکان آن وجود دارد که با سرمایه یا دارایی‌های مالی (که از قرض بهره‌ای به‌دست می‌آیند) موقعیت‌های سود موجود را تامین مالی کرد، مؤسسه‌ها و نهادهای مالی می‌کوشند بر روی جریان وجوه آینده و شرایط بازار سفته‌بازی کنند؛ که نتیجه این کار تامین مالی پانزی (Ponzi finance) است (Siddigi, 2004: 95).* این نوع سفته‌بازی، در شرایطی که تمام یا دست‌کم بخشی از وجوه قابل سرمایه‌گذاری را فقط بتوان بر مبنای مشارکت در عواید به‌دست آورد، بی‌معنا می‌شود. این ویژگی نظام تامین مالی اسلامی، باعث می‌شود این نظام بتواند شوک‌های واقعی در اقتصاد، که به‌صورت تغییرهایی در چشم انداز سود (انتظارهای اهالی کسب و کار درباره سود) هستند را جذب کند. بدین صورت که افزایش در سوددهی (واقعی یا انتظاری) به‌طور خودکار هزینه سرمایه را افزایش داده و کاهش در سوددهی (واقعی یا انتظاری) به‌طور خودکار هزینه هر واحد سرمایه را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، عرضه وجوه قابل سرمایه‌گذاری به بنگاه تجاری بر مبنای مشارکت، به‌صورت ابزاری در خلاف جهت دوره اقتصادی عمل می‌کند؛ آن هم به این علت که چنین کاری به آن می‌انجامد که هزینه هر واحد سرمایه در همان جهتی حرکت کند که سود انتظاری حرکت می‌کند (Siddiqi, 1983b: 111-112).

زمانی که تامین مالی از راه استقراض (مبادله پول آینده با پول حال) انجام شود، طبیعتا بازار دین گسترده‌ای پدید می‌آید که در آن اسناد بدهی مبادله می‌شوند. در چنین بازارهایی سفته‌بازی بر روی انتظارهای نرخ بهره رایج و شایع است؛ به همین جهت در بازارهای دین امروزی شاهد هستیم که معامله‌های به منظور سفته‌بازی چندین برابر معامله‌های واقعی (به منظور تولید و یا مبادله کالا) هستند. وجود چنین ساختاری در اقتصاد، خود عاملی برای بی‌ثباتی و بیماری است. در مقابل در اقتصادهایی که از عقدهای اسلامی پیروی کرده و در آنها بخشی از تامین مالی از روش‌های مشارکت در سود یا تامین مالی کالا انجام می‌شود،

*. نوعی از تامین مالی است که ساختاری شبه هرمی داشته و در آن سفته‌بازان با پیشنهاد بهره‌هایی بسیار بالا، به اغوای صاحبان وجوه می‌پردازند.

www.SID.ir

Archive of SID

بازار گسترده دین به‌صورتی که در نظام متعارف پدید می‌آید، وجود ندارد. بلکه در این اقتصادها، بازار دین به‌صورت کنترل شده است. به عبارت دیگر، بازار دین اسلامی با بازار دین متعارف تفاوت اساسی دارد؛ زیرا در این بازار تمام معامله‌های انجام شده به بخش واقعی اقتصاد گره خورده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اقتصاد اسلامی نیز گرچه می‌توان بحث سفته‌بازی روی نرخ تنزیل، نرخ‌های مرابحه، انتظارهای سود و سرانجام انتظارهای عرضه و تقاضای کالاها را مطرح کرد، اما چون این نرخ‌ها برخاسته از معامله‌های واقعی‌اند عامل بی‌ثباتی نمی‌شوند. بنابراین بی‌ثباتی در اقتصاد هم محدودتر است و هم کمتر پیش می‌آید (Siddigi, 2004: 95).

ثبات در بخش عرضه پولی

عامل دیگرثبات اقتصاد اسلامی نسبت به اقتصاد متعارف، روشی است که پول در این اقتصاد خلق و مدیریت می‌شود. به‌علت آنکه بهره در اقتصاد اسلامی حذف و به‌طور عمده با روش‌های تامین مالی مشارکتی و غیرمشارکتی جایگزین شده، خلق پول نیز به‌طور عمده از راه به کاربردن این روش‌ها صورت می‌پذیرد. بنابراین بخش عمده سرمایه عرضه‌شده به فعالیت‌های اقتصادی، بر مبنای مشارکت در سودی است که از به‌کارگیری این سرمایه‌ها پدید می‌آید و هر بخشی از این وجوه که به‌صورت سپرده به نظام بانکی سرازیر شود (باز شود)، به همان اندازه عرضه پول افزایش می‌یابد (Siddiqi, 1983a: 73-96). بنابراین در نظام تامین مالی اسلامی عرضه پول به‌صورتی انجام می‌شود که به‌طور مستقیم به بخش واقعی اقتصاد گره خورده و مستقل از آن نیست.

انعطاف در برابر عامل‌های بی‌ثباتی برون‌زا

در سطح بین‌الملل منبع اصلی بی‌ثباتی در نظام تامین مالی حرکت پول داغ است. میلیاردها دلار سرمایه‌هایی که به‌وسیله مالکانشان در اختیار سرمایه‌گذاران سازمانی (صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری (mutual funds)، صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های بیمه) و همچنین شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌های تجاری قرار گرفته، به منظور به دست آوردن سودی بیشتر از آنچه که در کشور خودشان موجود است، در بین کشورهای گوناگون حرکت می‌کند. بخش عمده این سرمایه به‌صورت وام‌های کوتاه‌مدت آن

www.SID.ir

Archive of SID

هم به شکل اوراق قرضه با کیفیت بالا یا سهامِ خریداری‌شده در بازار سهام است. هیچ نوع تعهد بلندمدتی بر دوش این تامین مالی کنندگان نبوده و وجود تفاوتی جزیی در حاشیه‌های سود سبب می‌شود این افراد سرمایه را به یک منطقه وارد کرده یا از یک منطقه خارج کنند. این کار مشکل‌های جدی برای اقتصاد و به‌ویژه اقتصاد کشورهای کوچک در حال توسعه پدید می‌آورد. بحران اواخر دهه نود در جنوب شرق آسیا نمونه‌ای از این مشکل است.

در مدل مشارکتی که ما در بالا مطرح کردیم، سرمایه خارجی فقط می‌تواند به‌صورت سهام پذیرفته شود و به عبارت دیگر، صرف معامله‌ها در بازار حقیقی شود. این باعث می‌شود جریان خروج سرمایه برابر جریان ورود سرمایه به اضافه سود به‌دست آمده یا منهای ضرر وارده باشد، که به نوع سرمایه‌گذاری بستگی دارد. پر واضح است که در این حالت چشم‌انداز کشور میزبان در مقایسه با حالت وام‌های استقراضی بسیار بهتر است. زیرا سرمایه‌گذاری از راه روش‌های مشارکتی به‌طور معمول تعهدهای بلندمدت‌تر (نسبت به وام‌های بهره‌ای رایج در نظام متعارف) پدید می‌آورد که در واکنش به تغییرهای کم و زودگذر نرخ‌های سود حساسیت فراوانی از خود نشان نمی‌دهد (Zarqa, 1983: 185). بنابراین بی‌ثباتی در اقتصاد محدودتر خواهد شد.

گستره محدود سفته‌بازی در نظام تامین مالی اسلامی

یکی از علل مهم بی‌ثباتی در هر نظام مالی سفته‌بازی است. سفته‌بازی شامل تخمین ارزش آینده متغیرهای کلیدی مانند: قیمت، سود، واردات، تقاضای صادرات، اشتغال و غیره می‌شود. سفته‌بازی همچنین ممکن است به رخدادهای غیراقتصادی که می‌توانند متغیرهای کلیدی را تحت تاثیر قرار دهند مرتبط شود. مواردی مانند: تغییر در حکومت، جنگ و غیره. سفته‌بازی امری مهم است؛ زیرا رفتارهای اقتصادی رایج را تحت تاثیر قرار داده و از این راه به تغییرهایی در عرضه و تقاضای کالاها و خدمات، سرمایه‌گذاری و غیره می‌انجامد. سفته‌بازی بخشی از علم اقتصاد است؛ چرا که فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌هایی زمان‌بر بوده و الزاماً تصمیم‌های آینده را تحت تاثیر قرار می‌دهند (Siddigi, 2004: 97-105). تجارت به‌طور ویژه قابلیت سفته‌بازی دارد. زیرا از راه ارزان خریدن و گران فروختن انجام می‌شود و واضح است که این خود شامل تخمین قیمت‌ها و تقاضای آینده می‌شود.

به نظر می‌رسد آن نوع سفته‌بازی‌ای که به‌صورت یک تهدید برای ثبات اقتصادی شمرده

www.SID.ir

Archive of SID

می‌شود، سفته‌بازی پیش‌گفته نیست؛ زیرا همان‌طور که در تحلیل‌های اقتصادی نشان داده شده، نیروهای اقتصاد بی‌ثباتی‌ای که این نوع از سفته‌بازی ممکن است پدید آورد را بر عهده می‌گیرند. بنابراین آن نوع از سفته‌بازی که به‌صورت تهدیدی برای ثبات اقتصادی و به‌ویژه ثبات مالی شمرده می‌شود، موردی است که بر روی متغییرهای اقتصادی تمرکز ندارد؛ بلکه بر روی اینکه دیگر افراد چگونه این متغیرها را پیش‌بینی می‌کنند یا بر روی وقوع رخدادهای غیراقتصادی مانند: بلایای طبیعی، جنگ، شورش، تغییر حکومت و غیره تمرکز می‌کند. اگر قماربازی را به‌صورت خلق ریسک به منظور کسب سود با قبول چنین ریسکی در نظر بگیریم، آنگاه می‌توان گفت فقط این نوع از سفته‌بازی (سفته‌بازی قمارگونه) است که به‌صورت تهدیدی برای ثبات اقتصادی شمرده می‌شود. این نوع از سفته‌بازی طبیعتش شرط‌بندی بر روی رویدادهایی است که به فعالیت اقتصادی فردی که شرط می‌بندد ربطی ندارند. اغلب چنین سفته‌بازی‌هایی در بازارهای مالی امروزی به اسناد بدهی و تغییرهای نرخ بهره مرتبط می‌شوند. در یک اقتصاد اسلامی بدون بهره که در آن تمام دیون بر مبنای خرید کالاها و خدمات واقعی بنا شده باشند و نرخ بهره نیز وجود نداشته باشد، دیگر جایی برای سفته‌بازی قمارگونه باقی نخواهد ماند. باید گفت به علل متعدد نمی‌توان پیش‌بینی نرخ مشارکت در سود را به عنوان ابزاری برای انجام این نوع از سفته‌بازی (سفته‌بازی قمارگونه) در نظر گرفت؛ چرا که: اولاً این نرخ متغیری نیست که از راه سیاست‌گذاری تعیین شود؛ بلکه نرخی است که در بازار تعیین می‌شود. ثانیاً این نرخ را نمی‌توان به‌صورت یک‌طرفه تحمیل کرد بلکه باید در نتیجه توافق بین طرفین قرارداد تعیین شود. سرانجام انتظار می‌رود این نرخ در همان جهتی حرکت کند که نرخ سود انتظاری حرکت می‌کند. بنابراین انجام سفته‌بازی و پیش‌بینی بر روی نرخ مشارکت در سود، به اندازه سفته‌بازی بر روی خود سود صحیح و مطلوب است؛ چیزی که لازمه تمام تجارت‌هاست و تمام افرادی که تجارت می‌کنند با پیش‌بینی دستیابی به سود این کار را می‌کنند بنابراین به هیچ‌وجه تهدیدکننده ثبات اقتصادی نیست. پس در کل می‌توان گفت گستره محدودتر سفته‌بازی در نظام تامین مالی اسلامی، پایه‌ای دیگر برای ثبات بیشتر این نظام در برابر نظام متعارف شمرده می‌شود (Mirakhor, 1995: 42-43).

www.SID.ir

Archive of SID

ثبات نسبی با تعهدهای ثابت (وارد کردن عقدهای مبادله‌ای در مدل اولیه)

تمام بحث‌هایی که تا اینجا مطرح شد این فرض را داشتند که مؤسسه مالی در دو طرف بدهی و دارایی خود فقط از عقدهای مشارکتی استفاده می‌کند یا اینکه حداکثر در طرف دارایی خود از عقدهای مشارکتی و مبادله‌ای استفاده می‌کند. دیدیم که تا زمانی که طرف بدهی طبیعت اولیه خود را حفظ کند، یعنی سپرده‌ها همچنان بر مبنای عقد وکالت تجهیز شوند، استفاده از این روش‌ها در طرف دارایی تطابق موجود بین دریافتی‌ها و تعهدهای پرداخت واسطه مالی را بر هم نمی‌زند؛ بنابراین مشکلی برای بانک پدید نمی‌آورد. علت این امر آن است که در این حالت هم مانند حالت‌های پیش، بانک فقط در صورتی که به سود دست یابد لازم است طبق عقد وکالتی که با سپرده‌گذار دارد سهمش را بپردازد.

در اینجا لازم است مدل خویش را واقعی‌تر کنیم. بدین‌معنا که فرض کنیم واسطه مالی اسلامی مورد بحث ما، در عقد وکالتی که با سپرده‌گذار می‌بندد، این اختیار را دارد که در عقدهای مشارکتی و عقدهای مبادله‌ای با سود معیّن فعالیت کند. به وضوح می‌توان دید که بعد از پدید آمدن این نوع از تعهدها، برابری و تطابق کامل زمانی بین دریافتی‌ها و تعهدهای پرداخت، دیگر وجود نخواهد داشت. در این حالت فراهم ساختن تطابق زمانی که پیش از این و در مدل ابتدایی ما خود به خود پدید می‌آمد، نیاز به انجام اقدام‌های خاص به‌وسیله قانون‌گذاران، وجود مهارت‌هایی خاص در مدیران و غیره دارد.

اما پدید ساختن چنین تغییری (معرفی تسهیلات مبادله‌ای)، اثر فراوانی در ظرفیت بالای نظام بانکداری اسلامی در جذب شوک‌های واقعی ندارد. به این صورت که در این حالت نیز اگر انتظارهای سود کارفرمایان افزایش یابد (اقتصاد در دوره رونق باشد) و در نتیجه تقاضا برای وجوه قابل سرمایه‌گذاری فراوان شود، واسطه‌های مالی فقط از راه ترغیب عموم جامعه به پس‌انداز بیشتر و سپرده‌گذاری پس‌اندازهایشان نزد بانک، می‌توانند چنین تقاضایی را جوابگو باشند. در این حالت بانک به منظور تضمین عرضه بیشتر وجوه، مجبور به افزودن نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران و چشم‌پوشی از درصدی از سهم سود خود است. همچنین خود صاحبان سپرده نیز ممکن است در این شرایط (افزایش تقاضای وجوه به‌وسیله کارفرمایان) نسبت بیشتری از سود به‌دست آمده را مطالبه کنند. این دو مورد به آن می‌انجامد که بانک درصد سود بیشتری از کارفرمایان طلب کند. بدین‌معنا که حاشیه سود

www.SID.ir

Archive of SID

خود را افزایش دهد؛ که این نیز به بالا رفتن هزینه سرمایه برای کارفرمایان می‌انجامد. بنابراین در اینجا هم بالا رفتن انتظارهای سود با افزایش در هزینه سرمایه همراه است. عکس چنین حالتی نیز در شرایطی اتفاق می‌افتد که تقاضا برای وجوه قابل سرمایه‌گذاری به‌علت انتظارهای سود به سمت پایین، در حال کاهش باشد. این خود به آن می‌انجامد که هزینه هر واحد سرمایه برای کارفرمایان کاهش یابد. پس کاهش در انتظارهای سود با کاهش در هزینه سرمایه همراه است. این نتیجه‌ها شبیه همان نتیجه‌هایی است که ما در مدل ساده خود (بدون تعهدهای ثابت) گرفته بودیم. بنابراین باید گفت: ظرفیت خوب نظام تامین مالی اسلامی در جذب شوک‌های واقعی اقتصاد، با معرفی عقدهای مبادله‌ای در طرف تسهیلات و تحت عنوان عام وکالت، همچنان باقی می‌ماند.

شایسته است در اینجا نیز دوباره اشاره کنیم که اسناد بدهی که از روش‌های تامین مالی مانند فروش اقساطی و اجاره سرچشمه می‌گیرند، هنوز هم رابطه‌ای مستقیم با امکانات تولید (بخش واقعی) دارند. این تفاوت موجود در روش خلق دین در نظام تامین مالی متعارف و نظام تامین مالی اسلامی، پیامدهای وسیعی در اقتصاد خواهد داشت (Al-Jarhi, 2002b: 11-13).

از مجموع بحث‌هایی که در این بخش مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که ثبات نسبی نظام تامین مالی اسلامی به لحاظ نظری بر پنج پایه پیش‌گفته استوار است. زمانی که پنج ویژگی پیش‌گفته برقرار باشد، مانند حالتی که در مدل ساده برقرار بود، اقتصادی به نسبت باثبات خواهیم داشت. حتی زمانی هم که در بخش دارایی‌ها دیونی داشته باشیم، اما بدهی‌ها همچنان بر مبنای وکالت (مشارکت) باقی بمانند، باز هم این ویژگی برقرار است. اما وارد کردن دیون در هر دو طرف دارایی و بدهی، به آن خواهد انجامید که نظام ما برخی از ویژگی‌های ثبات‌زای خود را از دست بدهد. اما با این حال باز هم چنین نظامی، نسبت به نظام متعارف، به امکانات تولید موجود در بخش واقعی نزدیک‌تراست بنابراین به هیچ‌وجه شاهد نوسان‌های شدید نخواهیم بود؛ نوسان‌هایی که ما در اقتصاد متعارف که در آن هر دو فرایند خلق پول و سرمایه‌گذاری بر مبنای دین هستند، شاهدش هستیم. پس در کل ثابت شد که در هر صورت، ثبات در نظام تامین مالی اسلامی بیشتر از نظام تامین مالی متعارف است. سرانجام باید گفت: بحران‌هایی که نظام بانکداری متعارف در دوره اخیر شاهدش بوده، به‌ویژه بحران اخیر اعتباری در بخش مسکن اقتصاد امریکا، خود اثباتی بر این ادعا است.

www.SID.ir

Archive of SID

کارایی نسبی نظام تامین مالی اسلامی

کارایی به معنای تولید بیشتر با نهاده کمتر است و کارایی تخصیصی که در اینجا مورد توجه ماست، به معنای تخصیص منابع جامعه به‌گونه‌ای است که تولید کل حداکثر شود. این امر زمانی برقرار می‌شود که در کل اقتصاد بهره‌وری نهایی سرمایه‌گذاری در تمام صنایع برابر باشد. نتیجه این حالت به نسبت مطلوب، آن است که سرمایه باید در جایی سرمایه‌گذاری شود که حداکثر بازدهی را داشته باشد. ما در مقاله حاضر ارزش بهره‌وری را به بیان سوددهی انتظاری اندازه گرفته و از بحث‌های مرتبط با اطلاعات (The information issues) صرف‌نظر می‌کنیم؛ بنابراین سرمایه باید بر مبنای سوددهی انتظاری تخصیص یابد.

در نظام بانکداری متعارف و در شرایطی که تمام سرمایه‌ای که در تولید سرمایه‌گذای شده متعلق به شخص تولید کننده باشد، نتیجه مطلوبی که پیش از این به آن اشاره شد ـ یعنی تخصیص منابع بر اساس سوددهی- برقرار است. بنابراین زمانی که تمام سود فعالیت اقتصادی به مالکی که در اینجا خود تامین‌کننده مالی نیز هست برسد و همچنین در صورت وجود ضرر، کل ضرر را تحمل کند، می‌توان انتظار داشت که منابع مطابق با سود انتظاری مورد استفاده قرار گیرد.* اما در شرایطی که افرادی که تولید می‌کنند مجبور به به‌دست آوردن سرمایه به‌صورت دریافت وام از دیگر افراد باشند، این وضعیت مطلوب تغییر خواهد کرد. در اینجا تامین مالی‌کننده درباره بازده مطمئن سرمایه و همچنین درباره بهره‌ای که طبق قرارداد به سرمایه تعلق می‌گیرد، نگرانی دارد. این نگرانی‌ها زمانی به بهترین صورت مرتفع می‌شود که قرض‌گیرنده پیش از دریافت وام، به منظور روبه‌رو شدن با تعهدهای پرداختی که از این وام پدید می‌آید، منابع کافی در اختیار داشته و به کامیابی پروژه‌ای که برای تامین مالی‌اش وام دریافت کرده وابستگی نداشته باشد. به همین علت است که شایستگی اعتباری (Creditworthiness) وام‌گیرنده (کارفرما) نخستین موردی است که تامین‌کننده مالی در نظر می‌گیرد (Siddigi, 2004: 103). البته داشتن پیش‌بینی کامیابی و پدیدآوردن سود به‌وسیله کارفرما نیز بسیار مهم است و در حقیقت تامین‌کننده مالی به ندرت این خطر را می‌پذیرد که بدون داشتن چنین چشم‌اندازی درباره کامیابی

*. توجه شود که در آنچه که در پی می‌آید، ما این حالت را به صورت حالت مطلوب در نظر گرفته و دو نظام بانکداری اسلامی و متعارف را با این مطلوب مقایسه می‌کنیم.

www.SID.ir

Archive of SID

کارفرما، به دادن وام اقدام کند. با این وجود این شاخص (چشم‌انداز ایجاد سود) رتبه دوم از مواردی که تامین‌کننده مالی در نظر می‌گیرد را به خود اختصاص می‌دهد.

به نظر می‌رسد منافع جامعه زمانی به بهترین صورت تامین می‌شوند که پروژه‌ها بر طبق رتبه‌بندی سوددهی تامین مالی شوند. اما جریان تامین مالی متعارف امروزی (که بهره در آن به‌صورت قراردادی ثابت و تعیین شده است) اغلب از رتبه‌بندی بر مبنای شایستگی اعتباری قرض‌دهنده پیروی می‌کند؛ که این خود به معنای انحراف از تخصیص بهینه منابع است. بنابراین در یک نظام تامین مالی بهره‌محور، ملاک سوددهی انتظاری نمی‌تواند در تضمین تخصیص بهینه وجوه قابل سرمایه‌گذاری اثر فراوانی داشته باشد؛ که علت آن هم ضوابطی است که این وجوه (وام‌های بهره‌ای) بر طبق آن عرضه می‌شوند (Siddiqi, 1983b: 70). در حالتی که تامین مالی با استفاده از قرض انجام شود، نگرش کارفرما به پروژه نیز به‌طور منفی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. چرا که تعهدهای قراردادی کارفرما به بازپرداخت اصل سرمایه به اضافه سودی که باید به آن اضافه شود، وی را از انجام آزمایش و نوآوری در جهت به‌دست آوردن سود بیشتر منع می‌کند. بنابراین امتناع تامین‌کننده مالی از مشارکت در نااطمینانی‌های موجود، جامعه را از پیشرفتی‌هایی که می‌شد از راه نوآوری در بهره‌وری سرمایه پدید آورد محروم می‌کند.

در مقابل، نظام تامین مالی اسلامی که در آن تامین مالی در برخی مواقع بر مبنای مشارکت در سود به سمت کارفرما جریان می‌یابد، تا حد فراوانی ویژگی‌های مدل مطلوب مالک ـ تامین‌کننده مالی (مالکی که خود تامین‌کننده مالی نیز است) که پیش از این ذکر شد را حفظ می‌کند. در عقد مضاربه (به‌صورت نماینده‌ای از عقدهای مشارکتی در طرف دارایی)، که واسطه مالی وجوه را بر مبنای مشارکت در سود واقعی در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهد، عرضه کل سرمایه به مواردی اختصاص خواهد یافت که نوید پدیدآوردن بیشترین سود را می‌دهند.

باید توجه کرد مشکلی که وام بهره‌ای با آن روبه‌رو است متفاوت از مشکلی است که تامین مالی بر مبنای پرداخت موجل (مانند فروش اقساطی) با آن روبه‌رو است. وام پولی، که بازپرداختش تضمین شده است رابطه‌ای با بخش واقعی اقتصاد ندارد. در محیط اقتصادی، که به‌طور طبیعی هیچ خلق ارزشی خارج از بازار صورت نمی‌پذیرد (چرا که

www.SID.ir

Archive of SID

ارزش یک پدیده بازاری است و صفت ذاتی هیچ چیزی نیست؛ به عبارت دیگر هر چیزی در خارج از بازار بی‌ارزش است)، نهاد بهره به وام حتی پیش از آنکه وارد بازار شود، ارزش افزوده اعطا می‌کند. اما در برابر تامین مالی انجام شده با فروش اقساطی، به‌طور حتم درگیر بازار (بخش واقعی) می‌شود. در اینجا ارزش افزوده (مقدار اضافه‌ای که به قیمت جاری کالایی که با پرداخت موجل عرضه شده، افزوده می‌شود) به کالایی واقعی متصل شده که قرار است در جایگاه نهاده در پروژه استفاده شود؛ پروژه‌ای که کارفرما انتظار آن را دارد که ارزش تولیدش بیش از ارزش نهاده به کار رفته باشد. بنابراین این‌دو اضافه یعنی بهره‌ای که به وام پولی داده می‌شود و افزایشی که در فروش اقساطی در قیمت جاری صورت می‌پذیرد، هم به لحاظ سرچشمه و نتیجه‌های اقتصادی که به بار می‌آورند، متفاوت از هم هستند (Siddigi, 2004: 108). سرمایه پولی نمی‌تواند به‌طور مستقیم، در جایگاه نهاده در هیچ فرایند تولید مولدی مورد استفاده قرار گیرد؛ در حالی که کالاها می‌توانند. بنابراین لازم است اشاره کنیم در چارچوب تخصیص بهینه منابع، روش‌های تامین مالی اسلامی (شامل روش‌هایی که بر مبنای پرداخت موجل هستند) به طرح مطلوب مالک ـ تامین‌کننده مالی نزدیک‌تر هستند و این در حالی است که تامین مالی بهره‌ای از این مدل مطلوب فاصله فراوانی دارد. بنابراین می‌توان گفت:

کارایی نظام تامین مالی اسلامی بیشتر از کارایی نظام تامین مالی متعارف بهره‌ای است.

افزون بر مطالبی که تا اینجا درباره کارایی مطرح شد می‌توان در این رابطه به دو موضوع دیگر نیز اشاره کرد. این موضوع‌ها عبارتند از:

ساختار انگیزشی (Incentive structure) قوی‌تر در نظام تامین مالی اسلامی

باید گفت: احتمال به‌دست آوردن منفعت، به فرد برای قبول احتمال ضرر، انگیزه می‌دهد. چرا که پول درآوردن در حالت کلی با قبول مقداری ریسک همراه است. اقتصادانان این عمل یعنی روبه‌رو شدن با مقداری نااطمینانی به منظور به‌دست آوردن سود را کارفرمایی می‌نامند؛ که هدفش دستیابی به پیشرفت است (Siddigi, 2004: 103).

به منظور فهم بهتر بحث، دو مورد ساده یعنی تامین مالی با دریافت قرض بهره‌ای و تامین مالی به‌صورت مشارکتی (مضاربه) را با هم مقایسه می‌کنیم. قرض، مالکیت وجوه را

www.SID.ir

Archive of SID

به ذمه قرض‌گیرنده منتقل می‌کند. بنابراین منافع فعالیت اقتصادی بعد از پرداخت اصل و بهره سرمایه به قرض‌دهنده، متعلق به کارفرما خواهد بود. اما در حالتی که پروژه به ضرر بیانجامد کارفرما در وضعیت بدی قرار خواهد گرفت؛ چرا که باید سرمایه اولیه را به همراه بهره‌اش به قرض‌دهنده باز گرداند؛ که این خود به‌صورت پیوسته، ادامه فعالیت کارفرما در این فعالیت اقتصادی را تضعیف می‌کند. باید گفت: در حقیقت ضرر کارفرما از آن لحظه‌ای شروع می‌شود که نرخ سود تحقق‌یافته کمتر از نرخ بهره شود. در این حالت از یک طرف کارفرما به استفاده از پس‌اندازهای گذشته‌اش به منظور روبه‌رو شدن با تعهدهای پرداخت فعلی‌اش (پس‌دادن وام با بهره‌اش) مجبور است و از طرف دیگر نیز اعتبارش خدشه‌دار می‌شود؛ که این خود باعث می‌شود که به دست آوردن تامین مالی در آینده برای چنین فردی سخت‌تر و پر هزینه‌تر شود و خود فرد نیز نسبت به دریافت تامین مالی در آینده انگیزه کمتری خواهد داشت. در حالی که کارفرمایی که از راه مشارکت تامین مالی به‌دست می‌آورد در مقایسه با حالت پیش‌گفته (وام بهره‌ای)، در وضعیت بسیار بهتری قرار دارد. چرا که به استفاده از پس‌اندازهای گذشته‌اش به منظور مواجهه با تعهدهای پرداخت فعلی‌اش مجبور نیست. از این بحث‌ها چنین بر می‌آید که اگر انگیزه به کار و مبذول‌داشتن حداکثر توانایی را در نظر بگیریم، کسب تامین مالی بر مبنای عقدهای اسلامی (نسبت به حالت بهره‌ای) به حالت مطلوب کارفرمای خود تامین‌کننده مالی نزدیک‌تر و کاراتر است.

مشارکت در ریسک

ویژگی اصلی که تامین مالی بر مبنای مشارکت در سود در برابر تامین مالی بر مبنای دین دارد، توزیع نااطمینانی در پدیدآوردن سود بین کارفرما و تامین‌کننده مالی است؛ که به‌طور مسلم یک امتیاز برای فعالیت اقتصادی شمرده می‌شود. چرا که وجود این ویژگی باعث می‌شود که کارفرما انجام پروژه‌هایی را بر عهده گیرد که بدون وجود آن، فراتر از محدوده منابع کارفرما در نظر گرفته می‌شدند. همچنین کارفرما در این حالت می‌تواند ریسک و نااطمینانی بیشتری را نیز قبول کند؛ زیرا بخشی از نتیجه‌های این کار بر عهده تامین‌کننده مالی است. این‌دو ویژگی یعنی بر عهده‌گرفتن پروژه‌های مولد بیشتر و قبول ریسک بیشتر، به بالاتر رفتن کارایی نظام تامین مالی می‌انجامد.

www.SID.ir

Archive of SID

به نظر می‌رسد این ساختار سه سویه در نظام تامین مالی اسلامی کـه شـامل دارنـدگان ثروت (پس‌انداز کننده)، واسطه‌های مالی و سرمایه‌گذاران است، منافع هر سه طرف را با هم مطابقت می‌دهد. بحث تطابق منافع را زمانی می‌توانیم بهتر درک کنـیم کـه آن را بـا تبـاین منافعی که در تامین مالی بهره‌ای وجود دارد مقایسه کنیم. در حقیقت باید توجـه کنـیم کـه پس‌انداز در بازارهای متعارف با نرخ بهره‌ای که به سپرده تعلق می‌گیرد، رابطه‌ای مثبت دارد؛ در حالی که سرمایه‌گذاری رابطه‌ای منفی با این نرخ دارد. بنابراین واسطه مالی که به منظور جذب و تجهیز هر چه بیشتر منابع از پس‌انداز کنندگان، به بالا بردن نرخ بهره اقدام می‌کند، ممکن است در عرضه این وجوه به سرمایه‌گذاران دچار مشکل شـود. ایـن ناسـازگاری در اهداف به ندرت در چهارچوب تامین مالی اسلامی وجود دارد (Al-Jarhi, 1998: 195).

واسطه‌های مالی اسلامی نقـشی مهـم در تجهیـز منـابع قابـل سـرمایه‌گـذاری دارنـد و همان‌طور که دیدیم ساختار سه سویه‌ای که ذکر شد، برای آنـان انعطـاف‌پـذیری و حـوزه مانور بسیار بیشتری نسبت به جایگزین‌های بهره محوری که در حال حاضر متداول هستند فراهم می‌آورد. در چارچوب تامین مـالی متعـارف درجـات آزادی (degrees of freedom) واسطه مالی محدود می‌شود به دو نرخ، یکی نـرخ بهـره‌ای کـه از قـرض‌گیرنـده دریافـت می‌شود و دیگری نرخ بهره‌ای که به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود؛ اما در چـارچوب تـامین مالی اسلامی، برای واسطه مالی این امکان وجود دارد که با سرمایه‌گذار (اسـتفاده‌کننـده از وجوه) به‌گونه‌ای قرارداد ببندد که از وی سهم سودی (بین ۹۹ ــ ۱ درصـد) دریافـت کنـد. به‌طور مشابه در طرف دیگر نیز، واسطه مالی می‌تواند به سپرده‌گذار سهم سـودی بـین ۱ ــ ۹۹ درصد پیشنهاد کند. اگر این شکاف بین دو نرخ را به بیان درصـدی و بـه ازای هـر واحـد سرمایه بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم در محیط‌های سـوددهی مـشابه، چنـین شـکافی بـرای واسطه مالی که براساس مشارکت در سود فعالیت می‌کند، همواره بزرگتر از شکاف واسطه مالی است که در ساختار متعارف فعالیت می‌کند (Al-Jarhi, 1998: 208).

از بحث‌هایی که در این بخش مطرح شد نتیجه می‌گیریم که ساختاری که تا حدودی بر مبنای مشارکت در سود بنا شده باشد و البته فضایی نیز برای معامله‌هـای پدیـدآورده دیـن مانند فروش اقساطی ارایه کند، کاراتر از ساختاری است که به طور کامل بر مبنـای تـامین مالی از راه پدیدآوردن دین پایه‌ریزی شده؛ روشی که در آن تحمل کل ریسک و نااطمینانی

www.SID.ir

Archive of SID

به ذمه کارفرما منتقل می‌شود. علت این امر آن است که به لحاظ تجهیز منابع مـازاد در اقتـصاد، تامین مالی دینی (بهره‌ای) هیچ نوع مزیتی بر تامین مالی مشارکتی نداشـته و در حقیقـت مزیـت ندارد؛ آن هم به علت قابلیت مانور محدودی که در این زمینه دارد. افزون بر این، این نوع تامین مالی که مزیت قطعی ندارد از این جهت است که در این حالت سرمایه‌گـذار (اسـتفاده‌کننـده از وجوه) به‌علت محدود بودن منابع خودش و مجبور شدن به گرفتن قرض (آن هم بـا تعهـدهای ثابت)، از پذیرفتن ریسک فراوان و برپا کردن پروژه‌های مولد بیشتر باز می‌ماند؛ امـا همـان‌طـور که پیش از این ذکر شد، سرمایه‌گذار در یک محیط مشارکتی ریسک بیشتری بـر عهـده خواهـد گرفت و پروژه‌های بیشتری را راه‌اندازی خواهد کرد؛ آن هم به این علت که در اینجا افزون بـر کارفرما، تامین مالی کنندگان و به تبع پس‌اندازکنندگان نیـز در نتیجـه‌هـای پدیدآمـده از پـروژه شریکند. باید گفت نتیجه‌های مشابهی نیز با استفاده از مطالعه‌های پیچیده‌تری کـه پـیش از ایـن انجام شده، به‌دست آمده‌اند (Mills & Pressley, 1999: 35-37). بحث صـحیح دیگـری کـه مطرح شده، آن است که هزینه‌های معاملاتی در نظام تامین مالی بدون بهره اسلامی، کمتـر از این نوع هزینه‌ها در نظام متعارف خواهند بود؛ که علت آن نیز همبستگی بیشتری اسـت که بین بخش مالی و بخش واقعی در حالت نخست وجود دارد (Al-Jarhi, 2002a). توجه داریم که هزینه‌های معاملاتی کمتر، کارایی را افزایش داده و منـابع را بـه منظـور اینکـه در بخش‌هایی دیگر مورد اسـتفاده واقـع شـوند آزاد مـی‌کنـد و از ایـن راه در پدیـد سـاختن اقتصادی مساعدت می‌کند.

امکان دستیابی به رشد بیشتر در نظام تامین مالی اسلامی

نتیجه‌ای که از ویژگی‌های کارایی و ثبات گرفته می‌شود، آن است که نظام بانکـداری و تامین مالی اسلامی امکان رشد بیشتری را فراهم می‌کند. در توضیح بیشتر باید گفت: رشـد در اصالت به عامل‌های انسانی، ویژگی‌های (کیفیت) انسان‌هـا، سـطح دانـش و مهارتـشان وابسته است. اما عامل‌های دیگری نیز در پدیدساختن رشد نقش دارند. یکـی از مهمتـرین عامل‌های که در رشد و توسعه نقش ایفا می‌کند، نظام مالی سالم است. وجود چنین نظامی نه‌تنها به منظور تجهیز منابع و انتقال آنها به سرمایه‌گذاری‌های مولد نیاز است، بلکه کارایی و عدالتی که چنین نظامی پدید می‌آورد، به منظور تقویت فرایند رشـد ضـرور اسـت. یـک

www.SID.ir

Archive of SID

نظام مالی اسلامی که به‌طور گسترده بر مبنای روش‌های مشارکتی تامین مالی بنا شده باشد، محیطی مساعد برای رشد و توسعه فراهم می‌آورد؛ آن هم از راه تطابق‌دادن منافع پس‌اندازکنندگان، واسطه‌های مالی و کارفرمایان. به‌علت آنکه رشد در خلق ثروت جدید است، ساختار مالی اسلامی باعث می‌شود هر سه طرف در پدیدآوردن رشد در جامعه مشارکت کنند؛ که این باعث می‌شود تمام افراد به پدیدآوردن رشد علاق‌مند شده، و به منظور پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کار، انگیزه پیدا کنند. چنین ساختاری با حذف بهره، باعث می‌شود هیچ فردی نتواند بدون اینکه عضو تیمی که در جهت خلق ثروت جدید فعالیت کرده‌اند (و ریسک مرتبط را پذیرفته) باشد، از ثروت فراهم آمده سهمی ببرد.

مطلب بعد آنکه اقتصاددانان مسلمان به‌طور متقاعدکننده‌ای علیه این ادعا، که حرکت در جهت نظام تامین مالی اسلامی بر پس‌انداز اثر منفی دارد، استدلال کرده‌اند (Siddiqi, 1983a: 167-71; Khan & Mirakhor, 1987: 125-39; Mirakhor, 1995: 43-45). همچنین بیان داشته‌اند به علت آنکه احتمال درآمدزایی، محرکی در جهت پس‌انداز است و در نظام اسلامی نیز احتمال درآمدزایی وجود دارد، بنابراین در این‌جا نیز جایگزینی بهره اثر منفی بر پس‌انداز ندارد. همچنین نظر به اینکه پس‌انداز تابعی از درآمد است، احتمال افزایش پس‌انداز با جایگزینی نظام تامین مالی اسلامی وجود دارد؛ که علت آن نیز افزایش احتمالی است که با استفاده از این نظام در اشتغال پدید خواهد آمد.

می‌دانیم با ثابت‌بودن سطح بهره‌وری، اشتغال کامل به تقویت رشد اقتصادی می‌انجامد. حال باید گفت: نظام تامین مالی مبتنی بر مشارکت، انعطاف‌پذیری لازم به منظور تجهیز منابع مالی برای تمام پروژه‌هایی که بهره‌وری انتظاری مثبت دارند را دارد. بنابراین در مقایسه با نظامی که برای بهره‌وری، یک سطح حداقلی در نظر می‌گیرد (به‌گونه‌ای که پروژه‌ای با بهره‌وری انتظاری کمتر از آن حد تعیین شده رد خواهند شد) کمک بسیار بیشتری به دستیابی به اشتغال کامل منابع (شامل کارگر) خواهد کرد. این ویژگی نظام تامین مالی متعارف است که در آن تامین مالی برای پروژه‌هایی که کارایی نهایی سرمایه کمتر از نرخ بهره بازاری دارند وجود ندارد. این مشکل پیچیده‌تر می‌شود اگر به این حقیقت نیز توجه کنیم که نرخ بهره رایج، متغیری است که از راه سیاست‌گذاری تعیین می‌شود. به‌طور مثال، کشوری که به منظور جذب سرمایه خارجی نرخ بهره را بالا می‌برد، در همین زمان

www.SID.ir

Archive of SID

در حال قطع تامین مالی برای پروژه‌هایی خاص است؛ پروژه‌هایی که با این افزایش صورت پذیرفته در نرخ بهره، دیگر توانایی پرداخت چنین بهره بالایی به صاحب سرمایه و همچنین فراهم ساختن سود متعارف برای کارفرما را نخواهند داشت. سرانجام باید گفت: مشارکت در سود و به‌ویژه در شرایطی که تعیین نرخ مشارکت تا حد فراوانی به‌وسیله نیروهای بازار انجام می‌شود، پروژه‌های مرزی (پروژه‌هایی که نرخ سود انتظاریشان در مرز حداقل تعیین شده است) را احیا می‌کند؛ که این بهتر از آن است که منابع به‌علت تضمین‌نکردن سودی بیش از نرخ بهره، معطل باقی بمانند. از مجموع بحث‌های این بخش می‌توان نتیجه گرفت که تامین مالی اسلامی در مقایسه با تامین مالی متعارف به منظور رشد مناسب‌تر است.

نتیجه‌گیری و ارایه راهکار برای تحقیق‌های آتی

۱. اطاعت از قانون الاهی درباره تحریم ربا فقط آثار اخروی ندارد؛ بلکه به علل متعدد به نظام بانکداری و تامین مالی جامعه و به تبع آن به نظام اقتصادی جامعه اسلامی کمک می‌کند؛

۲. تامین مالی اسلامی درباره تامین مالی متعارف ثبات بیشتری را نوید می‌دهد؛ که یکی از علل آن وجود همزمانی بین تعهدهای پرداخت و دریافتی‌ها است. علت دیگر این امر آن است که در نظام اسلامی، به‌علت حذف نرخ بهره و حجم دیون کمتر، فضای بسیار محدودتری برای سفته‌بازی ناسالم وجود دارد. حتی روش‌های تامین مالی مبادله‌ای مثل فروش اقساطی، که به پدیدآمدن دین می‌انجامند نیز خلق اعتبار را به‌طور مستحکمی به بخش واقعی اقتصاد گره می‌زنند بنابراین به‌طور کامل با فعالیت‌های اقتصادی بهره‌محور تفاوت دارند. افزون بر آن به‌علت آنکه در یک نظام بانکداری اسلامی بخش عمده تعهدهای بانک‌ها ثابت نیستند، این نظام نسبت به نظام متعارف توانایی بسیار بیشتری در جذب شک‌های واقعی در اقتصاد دارد؛

۳. به‌علت مواردی که در نتیجه‌گیری شماره دو بیان شد، نظام بانکداری اسلامی با بحران‌های کمتری روبه‌رو است. همچنین دوره بحران‌هایی هم که در این نظام پیش می‌آیند کوتاه‌تر است. توجه داریم که یکی از چالش‌های اصلی نظام بانکداری متعارف، بحران‌های گسترده‌ای است که در این ساختار بهره‌محور پدید می‌آید. جدیدترین مورد از این بحران‌ها، مورد بازار مسکن در اقتصاد امریکا است؛ که نه‌تنها امریکا را با مشکل روبه‌رو کرده بلکه دیگر کشورهای صنعتی را نیز به چالش کشیده است؛

٤. اقتصاد اسلامی در مقایسه با نظام متعارف، محیط مناسب‌تری برای کارفرمایی فراهم

www.SID.ir

Archive of SID

می‌آورد؛ چرا که این نظام، برعکس ساختار متعارف، تعلق‌گرفتن یک بازده تضمین‌شده به سرمایه پولی، حتی در شرایطی که استفاده از سرمایه نتوانسته ثروت اضافه پدید آورد را ممنوع می‌کند؛

۵. نهاد بهره، مهمترین علت وجود نابرابری فزاینده در توزیع درآمد و ثروت در کشورها و بین کشورها است؛ بنابراین اقتصاد اسلامی که از بهره پرهیز می‌کند، توزیع عادلانه‌تری به ارمغان خواهد آورد؛

٦. اقتصاد اسلامی بدون بهره، کاراتر از نظام متعارف بهره‌محور است. چرا که در این ساختار، وجوه آماده برای سرمایه‌گذاری که بر مبنای روش‌های تامین مالی مشارکتی تخصیص می‌یابند، به تسهیلات گیرندگانی که پروژه‌های مولدتری دارند، خواهد رسید، تا به تسهیلات گیرندگانی که شایستگی اعتباری بیشتری دارند؛ و از این روش است که کارایی افزایش می‌یابد. همچنین، نظام اسلامی که در برخی موارد بر مبنای مشارکت در سود بین پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران فعالیت می‌کند، منافع طرفین را هماهنگ کرده و در نتیجه از این راه نیز کارایی را افزایش می‌دهد؛

۷. محیط اقتصاد اسلامی، به‌علت ثبات بیشتر، کارایی بیشتر در تخصیص منابع، شرایط مناسب‌تری برای پدیدآوردن رشد فراهم می‌آورد.

توجه داریم که در مقاله ما فقط بحث‌های نظری بانکداری اسلامی را، آن هم با این فرض که هر دو دسته از عقدهای مشارکتی و مبادله‌ای به میزان کافی در این ساختار اجرا می‌شوند، مورد بحث قرار دادیم و از بررسی حوزه اجرایی خودداری کردیم. بنابراین می‌توان پرسش‌های ذیل را برای تحقیق‌های آتی مطرح کرد:

۱. چرا با وجود چنین مزیت‌هایی در نظام بانکداری اسلامی، در عمل پیشرفت این نوع از بانکداری در مقایسه با بانکدای متعارف کم است؟

۲. بانک‌های اسلامی در عمل تا چه حد توانسته‌اند به مزیت‌های پیش‌گفته دست یابند؟

۳. اشکال‌های وارد بر عقدهای مشارکتی در عمل چیست؟ چرا بانکداران مسلمان در عمل علاقه فراوانی به استفاده از عقدهای مشارکتی نشان نمی‌دهند؟ چه پیشنهادهایی می‌توان برای حل این مشکل‌ها مطرح کرد؟

٤. آیا فهم درستی درباره مزیت‌ها و نقاط قوت نظام بانکداری اسلامی در برابر بانکداری متعارف، در میان بانکداران اسلامی وجود دارد؟

۵. الگوی مطلوب روابط بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف چیست؟

٦. بانکداری اسلامی چگونه می‌تواند از تجربه بانکداری متعارف در جهت منافع و اهداف خود استفاده کند؟

www.SID.ir

Archive of SID

منابع و مآخذ

أ. فارسی

۱. اقبال، منور، ۱۳۸۷ش، *چالش‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی*، ترجمهٔ حسین میسمی، مسلم بمانپور، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.

۲. توتونچیان، ایرج، ۱۳۷۵ش، *اقتصاد پولی و بانکداری*، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکداری.

۳. ـــــــــ ، ۱۳۷۹ش، *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*، تهران: انتشارات توانگران، اوّل.

۴. جمالیان، هادی، ۱۳۷٦ش، *مقایسه میزان مواجهه با ریسک در بانکداری ربوی و غیر ربوی*، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۵. چپرا، عمر و احمد، حبیب، ۱۳۸۷ش، *حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی*، ترجمهٔ حسین میسمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.

۶. حسن‌زاده، علی، ۱۳۸٦ش، «کارایی و عوامل موثر بر آن در نظام بانکی ایران»، *جستارهای اقتصادی*، ش۷.

۷. خاوری، محمدرضا، ۱۳۸۲ش، «بانکداری اسلامی، قوت‌ها، مشکلات و چالش‌ها»، *نشریه اقتصاد ایران*، تهران: ش ٦۱.

۸. عیوضلو، حسین، ۱۳۸۷ش، «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ش ۲۹.

۹. کیقبادی، سعید، ۱۳۷۸ش، *نقدی بر ابزارهای پولی در بانکداری اسلامی ایران*، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۱۰. مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی، ۱۳۸٤ش، *پول و بانکداری و نهادهای مالی*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران.

۱۱. موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۱ش (الف)، «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به

www.SID.ir

Archive of SID

جای نظام بهره»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ش ۵.
۱۲. ــــــــــ ، ۱۳۸۱ش (ب)، «طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ش ۷.
۱۳. ــــــــــ ، ۱۳۸۳ش (الف)، «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپردهای جدید»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ش ۱۵.
۱۴. ــــــــــ ، ۱۳۸۳ش (ب)، *بانکداری اسلامی*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۱۵. ــــــــــ ، ۱۳۸٤ش، «ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ش ۱۹.
۱۶. ــــــــــ ، ۱۳۸٦ش، «نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد جایگزین»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ش ۲۵.
۱۷. میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۳ش، «هزینه فرصت سرمایه‌گذای در اقتصاد اسلامی»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ش ۱٦.
۱۸. هدایتی، سیدعلی‌اصغر و همکاران، ۱۳۷۵ش، *مجموعه مقالات هفتمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.

ب. انگلیسی

1. Al-Jarhi, Mabid Ali, 1981, *"The Relative Efficiency of Interest-Free Monetary Economies: The Fiat Money Case"*, in Khurshid Ahmad, (ed.) *Studies in Islamic Economics* Leicester, The Islamic Foundation.
2. _____, 1983, *"A Monetary and Financial Structure for an Interest-Free Economy: Institutions, Mechanism and Policy"*, in Ziauddin Ahmed et al [editors], Money and Banking in Islam, Islamabad, Institute of Policy Studies.
3. _____, 2002a, "*A Comparison of Transactions in Conventional and Islamic Economies"*, in Proceedings of the Fourth Harvard University Forum on Islamic Finance, Cambridge, Massachusetts: Harvard University.

www.SID.ir

Archive of SID

4. _____, 2002b, *"Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option"*, Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.
5. _____, and Khalid A. Hussein 2002c, *"Operational Efficiency in Islamic Banking: The Sudanese Experience"*, Jeddah: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.
6. Allais, Maurice, 1968, *"The Conditions of Efficiency in the Economy"*, in Economia Internationale (Geneva), Vol. XXI, no. 3, August.
7. Chapra, M. Umer, 1985a, *"Towards A Just Monetary System"*, Leicester: The Islamic Foundation.
8. _____, 1998, *"the islamic economic system: need for it and a comparison"*, Jeddah: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.
9. _____, 2000, *"The Future of Economics: An Islamic Perspective"*, Leicester: The Islamic Foundation.
10. _____, 2007, *"The Case Against Riba: Is It Compelling?"*, Paper presented at the International Conference on Islamic Economics organized by Universiti Brunei Darussalam and IRTI, Brunei, August 9-12.
11. Chishti, Saleem U. 1985, "*Relative Stability of Interest-Free Economy"*, in Journal of Research in Islamic Economics (Jeddah), King Abdulaziz University, Vol. 3, no. 1.
12. Martin Čihák and Heiko Hesse, 2008, *"Islamic Banks and Financial stability: An Empirical Analysis"*, IMF Working Paper.
13. Khan, Mohsin S. 1986, *"Islamic Interest-Free Banking"*, IMF Staff Papers.
14. Mills, Paul S. and John R. Presley, 1999, *"Islamic Finance: Theory and Practice"*, London: Macmillan.

www.SID.ir

Archive of SID

15. Mirakhor, Abbas, 1995, *"Theory of an Islamic Financial System"*, in Encyclopedia of Islamic Banking and Finance, London.
16. Siddiqi, M. N. (1983a), *"Banking Without Interest"*, Leicester: The Islamic Foundation.
17. _____, 1983b, *"Issues in Islamic Banking"*, Leicester: The Islamic Foundation.
18. _____, 1985, *"Partnership and Profit-Sharing in Islamic Law"*, Leicester: The Islamic Foundation.
19. _____, 1991, *"Some Economic Aspects of Mudarabah"*, Review of Islamic Economics (Leicester), Vol. 1, no: 2.
20. _____, 2002a, *"Comparitive Advantages of Islamic Banking & Finance"*, Paper presented at Harvard University Forum on Islamic Finance, Boston, Massachusettes.
21. _____, 2002b, "*The Wisdom of Prohibition of Interest*", Los Angeles, California. Paper presented at LaRiba annual meet, Boston, Massachusettes.
22. _____, 2004, *"Riba, Bank Interest and the Rational of its Prohibition"*, Jeddah: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Mimio.
23. Usmani, Mohammad Taqi, 1998, *"An Introduction to Islamic Finance"*, Karachi: Idaratul Ma"arif.
24. Wilson, Rodney, 1997, *"Economics, Ethics and Religion*", New York: New York University Press.
25. Zarqa, Muhammad Anas, 1982, *"Capital Allocation, Efficiency and Growth in an Interest-Free Islamic Economy"*, in Journal of Economics and Administration, King Abdulaziz University (Jeddah), no.16, November.

www.SID.ir

Archive of SID

صفحه سفید

www.SID.ir